



## **Studying the role of education in preventing social harms of students in Iran**

Siyavash.mousavi Rakati<sup>1</sup>

### **Abstract**

In this qualitative research with a descriptive method, we want to answer the question, what is the role of education in preventing the social harms of students in Iran? The result of which was as follows; Education, as a social reality, can play a key role in preventing social harms such as drug harm, deviant behavior harm, and student burnout; Because it rehabilitates students who are exposed to drugs with resocialization, students who are exposed to deviant behaviors with social re-identification, and students who are exposed to academic burnout with re-social vitality. ; Because A Education can play a role in preventing their addiction by providing correct information about drugs to students. Because students spend a lot of time in school; This is a good opportunity to provide the necessary information, and to strengthen their behavior, to implement the necessary prevention. b. Education has the duty to prevent deviant behavior of students, which is caused by failure, mental and psychological pressure and boredom, by providing equal opportunities for education. Because every student has a series of wishes and desires, many of them search for their wishes and desires in continuing their education J. Academic burnout is one of the important educational issues that not only alienates students, but may also hinder their academic progress, possibly disrupting students' academic performance in school and the learning environment. Therefore, schools and especially teachers should solve this problem with the help of parents, by encouraging and developing appropriate programs.

**Keywords; Education, students, drugs, deviant behavior, academic burnout**

---

<sup>1</sup> Graduated in Political Sociology PhD, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran ,Iran.

[Siyavash.mousavi@gmail.com](mailto:Siyavash.mousavi@gmail.com)



## مطالعه نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش آموزان در ایران

سید سیاوش موسوی رکعتی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲

### چکیده

در این پژوهش کیفی با روش توصیفی می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که، آموزش و پرورش چه نقشی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان در ایران دارد؟ که برآیند آن بدین قرار شد: آموزش و پرورش به مثابه یک واقعیت اجتماعی می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به منزله آسیب‌مواد مخدر، آسیب رفتار انحرافی و آسیب فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان، نقش اساسی داشته باشد: زیرا دانش‌آموزانی که در معرض مواد مخدر قرار می‌گیرند را با جامعه‌پذیری مجدد، دانش‌آموزانی که در معرض رفتارهای انحرافی قرار می‌گیرند، را با هویت‌سازی اجتماعی مجدد، و دانش‌آموزانی که در معرض فرسودگی تحصیلی قرار می‌گیرند را با نشاط اجتماعی مجدد، مورد بازسازی قرار دهد: چرا که الف. آموزش و پرورش می‌تواند با ارائه اطلاعات صحیح در مورد مواد مخدر به دانش‌آموزان در پیشگیری از اعتیاد آن‌ها نقش داشته باشد. چون دانش‌آموزان وقت زیادی از خود را در مدرسه می‌گذرانند: این فرصت خوبی است تا با ارائه اطلاعات لازم، و تقویت رفتار آن‌ها، پیشگیری لازم را به عمل بیاورند. ب. آموزش و پرورش وظیفه دارد تا با فراهم کردن، فرصت برابری آموزشی از رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان، که ناشی از ناکامی، فشار روحی و روانی و ملال خاطر است،

<sup>۱</sup> دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی تهران، ایران

جلوگیری کند: زیرا هر دانش‌آموزی دارای یکسری آرزوها و امیال است که بسیاری از آن‌ها، آرزوها و امیال خود را در ادامه تحصیل جستجو می‌کنند. ج. فرسودگی تحصیلی یکی از مسائل مهم آموزشی است که نه تنها باعث از خود بیگانگی دانش‌آموزان می‌شود، بلکه ممکن است مانع پیشرفت تحصیلی آن‌ها هم شود، چه بسا، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در مدرسه، و محیط یادگیری را نیز مختل کند. بنابراین مدارس و در رأس آن معلمان باید با کمک والدین، با روحیه دادن و تشویق و تدوین برنامه‌های مناسب این مساله را حل کنند.

**واژگان کلیدی: ایران، آموزش و پرورش، دانش‌آموزان، مواد مخدر، رفتار انحرافی، فرسودگی تحصیلی**

## مقدمه

بی‌گمان آموزش و پرورش در زندگی بشر مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند: زیرا از یک طرف، هر گونه انحرافی در آن باعث انحراف در همه امور زندگی می‌شود: و از طرف دیگر، در اثر آموزش است که آدمی متحول می‌شود، رشد می‌کند و توسعه می‌یابد. در واقع، بر پایه نظام آموزشی و تربیتی یک جامعه است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادینه به خود می‌گیرد و عموم مردم به طرف فرهنگ و توسعه حرکت می‌کنند. فلذا جوامعی که به آموزش و پرورش توجه کرده‌اند و امکانات مادی و معنوی خود را در اختیار این نهاد قرار داده‌اند، راه پیشرفت و توسعه را سریع‌تر طی کرده‌اند. اما، در مقابل جوامعی که نسبت به آموزش و پرورش بی‌توجه بوده‌اند، نتوانسته‌اند راه تکامل و توسعه را طی کنند. اما آموزش و پرورش چگونه می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نقش داشته باشد؟ در این مقاله می‌کوشیم تا به این سؤال پاسخ دهیم. زیرا در حال حاضر جامعه ما از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی در حوزه آسیب‌های اجتماعی در وضعیت مناسبی قرار ندارد. لذا همین گزاره ما را به سمت پژوهش در مسائل اجتماعی و خاصه آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان سوق می‌دهد. به طوری که می‌توان گفت که بروز ناهنجاری‌های رفتاری و عدم توجه به مقررات، ارزش‌ها و انضباط اجتماعی در بین برخی از دانش‌آموزان، نشانه نوعی خلأ و کمبود در نظام تعلیم و تربیت است. فلذا می‌توان در برخی آموزش‌ها با دید تردید نگریست و به فکر آموزش‌هایی بود که عملاً زندگی دانش‌آموزان و جوانان را تحت تأثیر خودش قرار می‌دهد. در واقع، رفتار انحرافی و یا بزهکاری دانش‌آموزان از مسائل و مشکلات اجتماعی پیچیده دنیای امروز و خاصه جامعه ما است. بنابراین، به نظر می‌رسد که بزهکاری دانش‌آموزان نوعی ناسازگاری اجتماعی باشد که برخلاف اخلاق جامعه صورت می‌گیرد و در نهایت به زیان جامعه است. رفتار انحرافی که دانش‌آموزان عاملین آن هستند،

و آن‌ها را گرفتار تنبیه می‌کند. زیرا دانش آموزان از نظر کنشی و رفتاری در مرحله فراگیری هستند و جامعه موظف است که در مورد رفتار نابهنجار این گروه بردباری نشان دهد و با ابزار و وسایل ملایم‌تری به آموزش و جامعه‌پذیری آن‌ها کمک کند. در ادامه به یافته‌های پژوهش در این زمینه می‌پردازیم.

### یافته‌های پژوهش

در ادامه به یافته‌های پژوهش می‌پردازیم که آن‌ها را در شش قسمت مورد تحلیل قرار داده‌ایم. الف. آموزش و پرورش چیست؟ ب. آسیب اجتماعی چیست؟ پ. پیشگیری چیست؟ ت. آسیب اجتماعی مدرسه‌ای چیست؟ ث. مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در مدارس کدامند؟ ث. الف. آسیب مواد مخدر، ث. ب. آسیب انحرافات رفتاری، ث. پ. آسیب فرسودگی تحصیلی. ج. آموزش و پرورش چگونه می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نقش داشته باشد؟ ج. الف. جامعه‌پذیری دانش آموزان، ج. ب. هویت‌سازی، ج. پ. نشاط اجتماعی، در ادامه به تحلیل موارد مطروحه می‌پردازیم.

### الف. مفهوم آموزش و پرورش

کوشش برای مطالعه آموزش و پرورش<sup>۱</sup> به عنوان یک پدیده اجتماعی<sup>۲</sup>، همزمان با گسترش و رواج تفکر علمی و پیدایش جامعه‌شناسی، در قرن نوزدهم آغاز شد و با برخورداری از اهمیت روزافزون ادامه یافت. جامعه‌شناسان، عموماً متفق‌القول‌اند که نخستین بار، امیل دورکیم<sup>۳</sup>، جامعه‌شناس فرانسوی در اواخر قرن نوزدهم، ضرورت رویکرد جامعه‌شناختی در مطالعه آموزش و پرورش را مطرح ساخت. وی تدریس آموزش و پرورش در دانشگاه سوربن<sup>۴</sup> را با این مضمون آغاز کرد که

---

1 - Education

2 - Social phenomenon

3 - Emile Durkheim

4 - Sorbonne university

آموزش و پرورش را از دیدگاه یک جامعه‌شناس مورد توجه قرار داد: زیرا آموزش و پرورش از لحاظ ماهیت، منشأ و کارکرد، کاملاً یک امر اجتماعی<sup>۱</sup> یا واقعیت اجتماعی است. در نتیجه، نظریه آموزش و پرورش بیش از هر علمی، به جامعه‌شناسی مربوط می‌شود. بر این اساس دورکیم معتقد بود که «آموزش و پرورش فعالیتی است که نسل بالغ، درباره نسلی که هنوز برای حیات اجتماعی نارس است، به جای می‌آورد. موضوع این فعالیت عبارت است از برانگیختن و پروردن افکار و معانی و شرایط معنوی و مادی که مقتضای حیات در جامعه سیاسی و محیط خصوصی است که طفل برای زندگی در آن، آماده می‌شود». بنابراین نقش آموزش و پرورش در جامعه آن است که کودکانی را که هنوز اجتماعی نشده‌اند، متناسب با نظام اجتماعی بار آورده و برای سازگاری با محیط خاص اجتماعی‌شان آنان را با ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم جامعه خود آشنا سازند. به نظر دورکیم، آدمی در اصل، یک موجود زیستی به دنیا می‌آید، و بنا بر این ضرورت که راه و رسم زندگی اجتماعی است، در جامعه زندگی خواهد کرد، لذا ملزم به آموزش و یادگیری راه و رسم زندگی اجتماعی جامعه خویش است.

پس از نظر او، آموزش و پرورش، وسیله‌ای سازماندهی خود فردی<sup>۲</sup> و خود اجتماعی<sup>۳</sup>، به صورت یک موجود با انضباط است که می‌توان آن را به تشکیل شخصیت و تولد اجتماعی شخص تعبیر کرد. (علاقه بند، ۱۳۷۹: ۱۶۵-۱۶۲) از منظر دورکیم در رابطه با آموزش و پرورش باید به چهار نکته اساسی توجه کرد: اول این که هر جامعه‌ای برای خود، آرمانی دارد، که می‌خواهد انسان‌های خود را بر اساس آن آرمان<sup>۴</sup> تربیت کند، بنابراین آرمان، قطب آموزش و پرورش است.<sup>۵</sup> دوم

1 - Social fact

2 - Individual self

3 - Social self

4 - Goals

5 - So the ideal is the center of education

این که، آموزش و پرورش یا تربیت به صورت کلی، یک امر جمعی است. منظور از امر جمعی<sup>۱</sup> یا امور جمعی<sup>۲</sup> یعنی امر یا اموری که حاصل کار جمعی باشد. سوم این که، باید توجه داشته باشیم که، همه ما برای اندیشیدن آفریده نشده‌ایم، برخی به احساس و برخی به عمل روی می‌آورند و جمعی نیز، به عکس، باید به اندیشیدن پردازند. چهارم این که، این تصور که ما می‌توانیم فرزندانمان را آن چنان که می‌خواهیم بار آوریم، پنداری عبث است. بنابراین به نظر می‌رسد که خوشبختی در این دنیا وجود ندارد، بلکه دنیا مکان نفی بلد و دره‌ای از اشک است. (دورکیم، ۱۳۹۱: ۹۳-۱۵). در راستای نظریه کارکردگرایی دورکیم می‌توان نظریه کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسونز<sup>۳</sup> را مطرح کرد. پارسونز نظریه نظام اجتماعی را مطرح می‌کند. طبق این نظریه، هر کنش اجتماعی، پدیده اجتماعی، واقعیت اجتماعی و جامعه‌ای دارای یک نظام اجتماعی است. پارسونز می‌گفت: هر نظام اجتماعی از یکسری خرده نظام تشکیل شده است، یعنی خرده نظام فرهنگی، خرده نظام اقتصادی، خرده نظام حقوقی و خرده نظام سیاسی: بنابراین، پارسونز اعتقاد داشت که هر خرده نظامی دارای یک کارکردی است، که این کارکرد باعث تعادل در آن خرده نظام می‌شود و در مجموعه همه کارکردها باعث تعادل در همه خرده نظام‌ها و در نهایت باعث تعادل و انسجام در کل نظام اجتماعی می‌شود.

پارسونز معتقد بود: کارکردی که باعث حفظ تعادل در خرده نظام فرهنگی می‌شود، کارکرد حفظ الگو است. کارکردی که باعث تعادل در خرده نظام اقتصادی می‌شود، کارکرد توزیعی است و کارکردی که باعث تعادل در خرده نظام حقوقی می‌شود، کارکرد یکپارچگی است. همچنین کارکردی که باعث تعادل در خرده نظام سیاسی می‌شود، کارکرد دستیابی به هدف است. که همه این کارکردها در

1 - Collective matter

2 - Collective affairs

3 - Talcott parsons

نهایت باعث تعادل در کل نظام اجتماعی می‌شود. (راش، ۱۳۸۹: ۷-۶). بدین سان کلاس درس بر حسب کارکرد آن برای مدرسه، و مدرسه بر حسب کارکردش برای نظام آموزشی و نظام آموزشی بر حسب کارکردش برای جامعه تبیین می‌شود. اما نظریه‌های دیگری هم در مورد آموزش و پرورش وجود دارد که به صورت اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:

یکی نظریه لیبرالی<sup>۱</sup>، دیگری نظریه انتقادی<sup>۲</sup> و دیدگیری نظریه تفسیری<sup>۳</sup>. طبق نظریه لیبرالی، مدرسه وسیله‌ای است که از طریق آن افراد ضعیف و بی بضاعت می‌توانند به پایگاه‌های بالاتر دست یابند. اما طبق نظریه انتقادی، مدرسه سازمانی است که به بازتولید ایدئولوژی مسلط و نیروی کار می‌پردازد. اگر چه در این دو دیدگاه در زمینه نقش مدرسه در نظم اجتماعی با هم اختلاف نظر دارند ولی دارای فرضیه مشابهی هستند، و آن این که آموزش و پرورش در درون نظام سرمایه داری معاصر، نهایتاً در خدمت قدرت است.

پائولو فریره فیلسوف و متفکر برزیلی می‌گوید: «وظیفه تاریخی آدمی، تغییر دادن واقعیت است که دقیقاً تغییر دادن خود او محسوب می‌شود. زیرا به تصور فریره، آدمی خود، واقعیت را می‌سازد. تغییرات اجتماعی تجلی همان تغییر انسان‌هاست. بدین ترتیب مفهوم اصلی در نظریه فریره، انسانی شدن بشر<sup>۵</sup> است.

به نظر فریره، ستم‌دیدگان موجوداتی ناقصند یعنی انسان کاملی نیستند و این عمل ستمگران است که مانع از کامل شدن انسانیت ستم‌دیدگان می‌شود. به اعتقاد او آموزش و پرورش نقش مهمی در حفاظت از ستم‌دیدگان به مثابه موجوداتی از

1 - Liberal theory

2 - Critical theory

3 - Interpretive theory

4 - Paulo freire

5 - Humanization of man



خود بیگانه ایفا می کند. آموزش و پرورش بانکی<sup>۱</sup> از ویژگی های اصلی فرهنگ سکوت است که در آن ستمدیدگان شعور و آگاهی ناقصی دارند و کماکان در حالت از خود بیگانگی اند.

در مجموع فریره به دو نوع نظام آموزشی می پردازد: الف. نظام آموزشی اهلی ساز یا نظام آموزشی بانکی، و ب. نظام آموزشی آزادیخواهی، فریره معتقد است که در نظام سلطه و ستم، آموزش و پرورش شکل خاصی پیدا می کند که وی آن را روایتی می نامد و به نظام بانکی تشبیه می کند. در این آموزش و پرورش، دانش آموز نقش یک آنبار و مخزن را دارد و یادگیری محدود به دریافت، حفظ کردن و مصرف داده هاست. رابطه بین معلم و دانش آموز رابطه یک سویه است و دانش آموز در مورد این که چه چیزی ارزش یادگیری دارد، چگونه باید آموخت و برای شناخت صدق و کذب باید از چه ملاک هایی استفاده کرد، تا حدود زیادی متکی به قضاوت معلم است. در چنین نظام آموزشی، یادگیرنده تبدیل به موجودی منفعل می شود که قادر به درک ماهیت تجربه خویش نیست و به عبارتی دیگر، از خود بیگانه است. بنابراین به اعتقاد فریره یکی از شرایط رهایی از وضعیت سلطه، نوعی فعالیت آموزشی است که به آگاهی سیاسی منجر شود. در هر انقلاب اجتماعی و فرهنگی، اولین وظیفه باید عمل فرهنگی برای آزادی باشد و انجام چنین کاری مستلزم نوع جدیدی از آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش جدید باید بر رابطه مبتنی بر گفتگوی دو سویه بین معلم و دانش آموزان استوار باشد. به عبارتی معلم باید دانش آموز و دانش آموز باید معلم شود. بدین ترتیب ماهیت یادگیری در اهمیت حضور در مدرسه و مشارکت در کلاس درس است. (شارع پور، ۱۳۹۴: ۶۱-۵۸)

اما نظریه تفسیرگرایی آموزش و پرورش چه می گوید؟ به نظر می رسد که جامعه شناسی آموزش و پرورش جدید، نوعی دیدگاه دیالکتیکی از شناخت ارائه می دهد.

<sup>1</sup> -Banking education

یکی از نقاط مثبت این نوع جامعه‌شناسی این است که به معلمان و دانش‌آموزان به مثابه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان دانش می‌نگرد. این دیدگاه به رابطه بین قدرت و شناخت از دریچه دیالکتیک نگریده و نشان می‌دهد که شناخت، یک ساخت اجتماعی<sup>۱</sup> است. طرفداران نظریه تطابق فقط بر یک بُعد رابطه بین قدرت و دانش توجه کرده و در نتیجه از این موضوع غفلت نموده‌اند که چگونه می‌توان ایدئولوژی مسلط را در مدرسه تغییر داده و یا حتی جهت آن را معکوس کرد. ولی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش جدید نگرش یک بُعدی به قدرت، شناخت و سلطه را که نظریه تطابق اتخاذ نموده، کنار نهاده است. به هر حال جامعه‌شناسان معتقد به رهیافت تفسیر بر این باورند که واقعیت اجتماعی همیشه در حال شدن است، نه بودن. به همین دلیل روش‌های کمی مرسوم در علوم اجتماعی از درک آن‌ها عاجزند. روشی که جامعه‌شناسی آموزش و پرورش جدید توصیه می‌کند، روش مشاهده توأم با مشارکت است و یا حداقل مشاهده مستقیم بدون مشارکت می‌باشد. در واقع این دو روش مستلزم وجود شرایط اجتماعی صمیمی و دوستانه‌اند، لذا مناسب با شرایط کلاس هستند. در واقع آموزش و پرورش جدید می‌کوشد تا روشن کند که در کلاس درس چه اتفاقی می‌افتد؟ یعنی مستقیماً بر عملکرد درونی خود مدارس تأکید می‌کند. (تکرار ارجاع، ۱۱۷-۱۱۳). بنابراین هر چند آموزش و پرورش، فعالیت واحدی را شامل می‌شود که هدف آن ایجاد تغییرات مناسب و مطلوب در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دانش‌آموز است، لکن ایجاد نگرش‌ها و رفتارهای درونی شده و نهادی به نحو چشمگیری از انتقال صرف و نظری مجموعه‌ای از دانسته‌های قابل تفکیک و تشخیص است. بدین لحاظ است که مسامحتاً به انتقال نظری مطالب بدون توجه به تغییرات رفتاری و عاطفی، آموزش به ایجاد نگرش‌های جدید و شکل‌گیری شخصیت که منشأ، رفتارهای بهنجار و مطلوب است، پرورش گفته می‌شود. (احمدی، ۱۳۶۹: ۶۵)

<sup>1</sup> -Social construction

## ب. مفهوم آسیب اجتماعی

به گفته دور کیم، واقعیت‌های اجتماعی<sup>۱</sup> یا پدیده‌های اجتماعی<sup>۲</sup> دو نوع هستند. یکی واقعیت‌ها یا پدیده‌های اجتماعی عادی و دیگری واقعیت‌ها یا پدیده‌های اجتماعی آسیب‌شناختی. اما منظور از هر کدام از این واقعیت‌ها یا پدیده‌های اجتماعی چیست؟ دور کیم می‌گوید: «واقعیت‌های اجتماعی در صورتی عادی هستند که در جامعه گسترده یا عمومی باشند. مثلاً چون جرم در هر جامعه‌ای به صورت‌های مختلف دیده می‌شود، پس یک پدیده اجتماعی عادی است. منظور از عادی یعنی برای یک جامعه سالم و منظم لازم است. بنابراین چون جرم در هر جامعه‌ای یافت می‌شود، پس عادی است، که این بدین معناست که جزیی لازم از هر جامعه سالمی است. اما منظور از واقعیت اجتماعی آسیب‌شناختی واقعیتی است که برای یک جامعه مضر است. یعنی پدیده‌ای که غیر طبیعی است و حیات جامعه را در معرض فشار و تهدید قرار می‌دهد. در واقع منظور دور کیم از واقعیت اجتماعی آسیب‌شناختی این بود که وقتی یک پدیده اجتماعی از حالتی و یا میزانی خارج می‌شود و جامعه و حیات آن را در معرض تهدید و فشار قرار می‌دهد، آن پدیده رنگ آسیب‌شناختی به خود می‌گیرد.» (کاف، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۰)

## پ. مفهوم پیشگیری

در فرهنگ فارسی معین «پیشگیری»<sup>۳</sup> به معنای جلوگیری کردن و پیش از بیماری اقدام کردن معنا شده است. در حوزه آسیب‌های اجتماعی<sup>۴</sup> پیشگیری عبارت است از: اقداماتی که در راستای بررسی افراد جامعه و یا محیط اجتماعی جهت جلوگیری از برخی مخاطرات و یا پیش آمدها و آثار تبعی آن مورد توجه قرار گرفته و به کار

1 - Social realities

2 - Social phenomena

3 - Prevention

4 - The field of social hrms

بسته می‌شود. آسیب‌های اجتماعی<sup>۱</sup> در سطوح مختلف نمایان شده و در صورت عدم توجه همچون سیلی ویرانگر دامان تمام آحاد جامعه را در بر خواهد گرفت و تبعات ناگوار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر جای خواهد گذاشت. به هر حال جامعه ما و صد البته جامعه آموزش و پرورش از بروز آسیب‌های اجتماعی و جرائم مستثنی نبوده و نخواهد بود و از گذشته با آن روبرو بوده است. هر چند برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در جامعه و آموزش و پرورش تلاش‌هایی صورت گرفته است اما رشد این پدیده، معلول عوامل مختلفی چون افزایش آمار آسیب‌های اجتماعی، کاهش سن آسیب دیدگان اجتماعی و شیوع و بروز مشکلات اجتماعی به دلیلی جمعیت جوان است که نیازمند برنامه‌ریزی بیشتر و مناسب‌تر در این باره می‌باشد. بنابراین نیازمند بازپرداخت مکرر به این پدیده اجتماعی می‌باشد<sup>۲</sup>. (فراهانی، ۱۳۹۸: ۶۶-۶۲)

### ت. مفهوم آسیب اجتماعی مدرسه‌ای

همان طوری که گاهی تحت شرایط به خصوصی در بدن انسان بی‌نظمی<sup>۳</sup> پدید می‌آید و عضوی از اعضای بدن بیمار می‌گردد، در نتیجه نمی‌تواند هماهنگ با سایر اعضا به کار معمول خویش ادامه دهد در جامعه نیز گاهی عضوی و یا گروهی از کالبد جامعه‌ی<sup>۴</sup> توانایی هماهنگی با سایر اعضا یا ساختار جامعه‌ی را از دست می‌دهد. چنان که بیماری بدنی از ویژگی‌های کار کالبد انسانی<sup>۵</sup> است، بیماری‌های جامعه‌ی نیز از ویژگی‌های جامعه است. همین‌طور مدرسه به مثابه یک نهاد اجتماعی ممکن است که گرفتار بیماری شود و عضوی و یا اعضای آن گرفتار بیماری شوند. البته گاهی اوقات هم وقتی اکثر نهادها در جامعه که به مثابه کل

1 - Social harm

2 - Therefore, we need to pay more attention to this social phenomenon.

3 - Irregularity Or disorder

4 - The body of the community

5 - The human body

جامعه محسوب می‌شوند، بیمار می‌گردند، این به منزله بیماری کل جامعه و یا فروپاشی است. بی‌گمان وقتی یک جامعه بیمار می‌شود، علت و دلایل بیماری را باید در عدم توزیع امکانات مادی، معنوی و فرهنگی دید که سردمداران آن جامعه نتوانسته‌اند، آن‌ها را به صورت عادلانه و مساوی در سطح جامعه توزیع کنند، و هر کسی را سهمی دهند و آن‌ها را طبق معیارها و استانداردهای منظمی بسازند، دید.

مدرسه<sup>۱</sup> به مثابه یک نهاد جامعوی و یا به عبارتی به مثابه یک نظام اجتماعی، نیز می‌تواند گرفتار آسیب<sup>۲</sup> و یا به عبارتی بیماری شود. در واقع، وقتی یک مدرسه و یا مدرسی این قاطعیت را نداشته باشند که دانش آموزان خود را به قدر کافی تعلیم دهند و آن‌ها را طبق قالب و الگوهایی که می‌خواهند، درآورند و آن‌ها را هدایت کنند، گرفتار آسیب و در نهایت بیماری خواهند شد. (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۳۹-۴۸)

فلذا اگر رفتار افراد جامعه با هنجارها<sup>۳</sup>، ارزش‌ها<sup>۴</sup> و عقاید اجتماعی<sup>۵</sup> جامعه در تعارض و تضاد باشد، در این صورت، رفتار اجتماعی، رفتاری نابهنجاری خواهد بود. زیرا که بین خواسته‌ها، نیازها و آرمان اجتماعی سیستم موجود و افراد جامعه هماهنگی دیده نمی‌شود و در این حالت، روابط اجتماعی تنش‌زا و ستیزآمیز است. وجود چنین روابط اجتماعی نابهنجار در جامعه، سبب پیدایش مسائل و مشکلات اجتماعی شده و حرکت جامعه را ناموزون و نامتعادل می‌سازد. جامعه‌شناسی<sup>۶</sup>، چنین مسائل و مشکلات اجتماعی را که زاده عدم هماهنگی نظام ارزشی با خواسته‌ها و عملکردهای افراد جامعه است، تحت عنوان نابهنجاریهای اجتماعی مورد بررسی قرار

---

1-School

2-Harm or injury

3-Norms

4-Values

5-Social beliefs

6-Sociology

می‌دهد. در واقع بزهکاری‌های دانش‌آموزان<sup>۱</sup> به مثابه اعتیاد، خودکشی، دزدی و نابسامانی از این مقوله هستند. جامعه‌شناسان<sup>۲</sup>، پیدایش این گونه نابهنجاری‌ها را زاده سیستم اجتماعی می‌دانند.

سیستم اجتماعی<sup>۳</sup> بر اثر عدم برقراری رابطه متناسب بین خواسته‌ها و هدف‌های جامعه و افراد، به رفتار نابهنجار دامن می‌زند. برخی علت اساسی پیدایش نابهنجاری‌ها را به عوامل محیط طبیعی، برخی به عوامل نژادی و ارثی و گروهی به نبود تعلیم و تربیت و یا نارسایی فرهنگی جامعه نسبت می‌دهند. اما جامعه‌شناسان، بدون این که تأثیر عوامل ذکر شده را نادیده بگیرند، عامل مشروط و تعیین کننده رفتارهای نابهنجار را در کیفیت و ماهیت روابط اجتماعی جامعه می‌دانند. روابط اجتماعی، ناظر بر چگونگی قرار گرفتن امکانات موجود جامعه بین جمعیت است. از این رو، اگر امکانات به شیوه درست و عادلانه مورد بهره برداری کل جمعیت یک جامعه قرار گیرد، زمینه‌ای برای پیدایش نابهنجاری‌های اجتماعی<sup>۴</sup> وجود نخواهد داشت. به این ترتیب، نابهنجاری‌های اجتماعی، زاده محیط اجتماعی است. اگر محیط اجتماعی با شکل‌گیری روابط اجتماعی درست و ایجاد ساخت هماهنگ و موزون بین خواسته‌ها و امکانات و بین وسیله‌ها و هدف‌ها، رابطه درست برقرار کند و فرهنگ جامعه را در جهت شکل‌گیری چنین زمینه‌ای به کار گیرد، رفتار افراد جامعه در جهت تحقق خواسته‌های سیستم اجتماعی و افراد سوق داده می‌شود. اما اگر محیط اجتماعی با ساخت درونی خود نابرابری‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را به وجود بیاورد و زمینه نارضایتی را پی‌ریزی کند، رفتار افراد جامعه به سوی نابهنجاری‌ها گرایش پیدا خواهد کرد. (سیف‌اللهی، ۱۳۸۸: ۲۲۴). فلذا منظور از

1- Student delinquency

2- Sociologists

3- Social system

4- Social anomalies

آسیب اجتماعی مدرسه‌ای<sup>۱</sup>، آسیبی است که دانش آموزان در درون مدرسه و یا در ارتباط با مدرسه گرفتار آن می‌شوند. بنابراین به زعم نگارنده این آسیب‌ها را می‌توان در سه دسته اساسی تقسیم بندی کرد. یکی آسیب مواد مخدر<sup>۲</sup>، و دیگری آسیب انحرافات رفتاری<sup>۳</sup> و ددیگری آسیب فرسودگی تحصیلی<sup>۴</sup> است. (تحلیل نگارنده)

### ث. مهم ترین آسیب‌های اجتماعی در مدارس

عده‌ای از صاحب نظران علت پیدایش بزهکاری دانش آموزان را در عوامل اجتماعی<sup>۵</sup> می‌دانند. این گروه، عوامل اجتماعی را به دو گروه تقسیم می‌کنند: عوامل خانوادگی-نوع تعلیم و تربیت در خانواده، نداشتن سرپرست، وجود ناهنجاری‌ها در خانواده، سخت گیری اعضای خانواده و دشمنی، و ستم ناپدیری و نامادری و غیره- و عوامل اجتماعی صرف-وجود محیط‌های جرم‌زا مانند تریاها و بارها، بدآموزی‌های سینما و تلویزیون، مکان‌های لهو و لعب و غیره- اما عده دیگری از صاحب نظران به عوامل فردی نیز در بروز بزهکاری‌های دانش آموزان توجه دارند. این گروه در بررسی‌های خود به وضعیت جسمی و روانی فرد بزهکار توجه می‌نمایند و عوامل مؤثر در بروز بزهکاری را دو دسته می‌دانند: یکی وجود پدر و مادر نابهنجار و دیگری، وجود نارسایی‌های جسمی و روحی در فرد بزهکار. جامعه‌شناسان، عوامل فوق را در پیدایش رفتار نابهنجار در دانش آموزان مؤثر می‌دانند، اما آن‌ها را عوامل اصلی و تعیین کننده نمی‌شمارند. آن‌ها معتقدند برای بررسی علل پیدایش نابهنجاری‌ها، قبل از هر چیز باید محیط اجتماعی و سیستم اجتماعی را مورد مطالعه قرار داد. از این دیدگاه والدین ناتوان و یا بزهکار و یا محیط ناسالم برای رشد شخصیت و استعدادها، ناشی از سیستم اجتماعی است.

1 - School social harm

2 - Drug damage

3 - Behavioral deviation injury

4 - Academic burnout injury

5 - Social factors

سیستم اجتماعی منبعث از روابط اجتماعی زمینه را برای بروز و ظهور هر گونه رفتار اجتماعی مساعد و نامساعد فراهم می‌کند. گرچه زمینه فردی، شخصیتی، روانی، محیط خانواده، و تعلیم و تربیت و محل رشد و نمو اولیه در پیدایش انواع بزهکاری‌های دانش‌آموزان تأثیر دارند، اما چنین زمینه‌هایی خود از عوارض بزهکاری هستند تا علل آن‌ها. زیرا پیدایش چنین زمینه‌هایی با ماهیت و کیفیت روابط اجتماعی افراد جامعه ارتباط مستقیم دارد. بنابراین برای شناخت علل پیدایش نابهنجاری‌های دانش‌آموزان و یا به عبارتی کودکان و نوجوانان<sup>۱</sup> و بازسازی آن‌ها باید به بهسازی محیط اجتماعی توجه اساسی کرد. (سیف‌اللهی، ۲۲۶، ۱۳۸۸-۲۲۵)

در ادامه به مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی که در مدارس ممکن است دانش‌آموزان گرفتار آن‌ها شوند، می‌پردازیم. آسیب‌های اجتماعی همانند، ث. الف. مواد مخدر، ث. ب. انحرافات رفتاری، و ث. ج. فرسودگی تحصیلی .

### ث. الف. آسیب مواد مخدر

اعتیاد<sup>۲</sup> عبارت است از یک پدیده زیستی که به موجود زنده این امکان را می‌دهد که خود را به تدریج با بعضی مواد سمی سازش دهد و مصرف روزمره مقادیری از این مواد را که برای موجود زنده دیگری از همان گروه کشنده است را تحمل کند. از نظر فیزیولوژیست‌ها<sup>۳</sup> اعتیاد عبارت است از حالتی که استعمال متوالی یا متناوب ماده مخدر در فرد ایجاد می‌شود، با استعمال مواد مخدر تحریک پذیری سلول‌های عصبی و دستگاه عصبی افزوده شده و در نتیجه داروی بیشتری لازم است که آن را به حالت تعادل برگرداند.

<sup>1</sup> -Children and teenagers

<sup>2</sup> -Addiction

<sup>3</sup> -Physiologists



طبق آمار بیشتر دانش آموزان، اولین گام به سوی اعتیاد را با سیگار آغاز کرده‌اند. مصرف سیگار و مواد مخدر در میان دانش آموزان وابسته به قشر خاصی نیست. از این رو آندرزها و هشدارهای والدین در مورد ضررهای سیگار و مواد مخدر، در جلوگیری از سقوط آنان به دام اعتیاد، بسیار مؤثر است. به هر حال، ویژگی‌های خانوادگی- نظیر خانواده‌های از هم گسیخته، شکاف فکری و عاطفی بین والدین و فرزندان، ضعف اخلاقی و بی‌بندوباری در خانواده‌ها- دوستان ناباب و فشار گروه همسالان، نداشتن آگاهی نوجوانان در زمینه مهارت‌های زندگی، برخوردهای نامناسب والدین، ویژگی‌های سنی و قرار داشتن در سنین بلوغ- نظیر خودمحوری، استقلال طلبی، سرکشی در مقابل بزرگ‌ترها- اختلال در هویت فردی- عدم آگاهی والدین از اصول تعلیم و تربیت و مهارت‌های زندگی، در دسترس بودن مواد مخدر، سیگار<sup>۱</sup>، تاثیرات منفی برنامه‌ها و محتوای نامناسب در رسانه‌های جمعی که سبب گرایش نوجوانان و جوانان به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی می‌شود. برنامه ریزی‌های آموزشی نامناسب و غیر اصولی برای دانش آموزان در مدرسه و غیره از عوامل مستعد کننده بروز آسیب‌های اجتماعی و خاصه مواد مخدر است.

مدراس<sup>۲</sup> به تنهایی نقش مهمی در منع استفاده از مواد مخدر دارند. زیرا دانش آموزان بیشتر اوقات خود را در مدرسه می‌گذرانند. بنابراین مدارس مهم‌ترین تأثیر را در انتقال رفتار مطلوب و مناسب بر دانش آموزان دارند. در واقع مدارس نه تنها با ارائه اطلاعات صحیح در مورد مواد مخدر، بلکه با توسعه و اجرای سیاست‌های منسجم و استوار می‌توانند در تلاش ملی برای منع استعمال این مواد شرکت کنند. اگر چه در جامعه ما هنوز اعتیاد به مواد مخدر در میان دانش آموزان به حد بحران نرسیده است، ولی بر اساس قرائن موجود اگر مراقبت همه جانبه به عمل نیاید و دانش آموزان از طریق آموزش، استحکام شخصیت پیدا نکنند، احتمال زیاد دارد در

1- Cigarettes

2- Schools

آینده این بحران جدی در کشور ما هم به وجود آید. فلذا بهتر است که آموزش پیشگیری از اعتیاد، از طریق مواد درسی گوناگون، بنا به ماهیت هر درس، آموزش داده شود.

معلمان<sup>۱</sup> به دلیل نقشی که در تعلیم و تربیت<sup>۲</sup> دانش‌آموزان دارند. در واقع به خاطر این که دانش‌آموزان بیشتر وقت خودشان را در ارتباط با معلمان و در حضور آنها می‌گذارند، می‌توانند تأثیرات مثبتی را بر روی آنها بگذارند. بنابراین آماده کردن معلمان بیش از هر عامل دیگری در تقویت رفتارهای مطلوب در دانش‌آموزان تأثیر دارند. بدین سان کیفیت و محتوای آموزشی و چگونگی ارائه آن به دانش‌آموزان بسیار مهم است و این امر باید با روحیه، مقتضیات سنی و انتظارات دانش‌آموزان هماهنگ باشد. به عبارتی آموزش به دانش‌آموزان در رابطه با مواد مخدر به صورت شرح جزئیات و اطلاعات اضافی و غیرضروری، نظیر شناسایی راه‌های استفاده از مواد یا معرفی جزئیات نباشد. یعنی آموزش در زمینه پیشگیری از استعمال مواد مخدر به روش معقولانه، و با تدبیر و برنامه‌ریزی باشد و حس کنجکاوی آنان به طور صحیح مدیریت شود، راهکاری مفید و مؤثر خواهد بود. به هر حال برای پیشگیر از مصرف مواد مخدر در بین دانش‌آموزان باید: الف. دانش و اطلاعات لازم را نسبت به انواع مواد در اختیار آنها گذاشت. تا مساله آسیب‌زا را بشناسند. ب. باید مهارت‌هایی همانند خودشناسی، خودباوری، مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع دیگران، استفاده درست از اوقات فراغت را به آنها آموخت تا بتوانند به یک زندگی سالم روی بیاورند. پ. باید زمینه برنامه‌های ورزشی، تفریحی، سیاحتی و نمایشگاهی را برای آنها فراهم کرد، تا سبک زندگی‌شان به سمت درست هدایت شود. ت. باید آنها را با خدمات مشاوره‌ای آشنا کرد تا در صورت نیاز برای حل مسائل خودشان به او مراجعه کنند. ث. باید کانون‌ها و تشکل‌های دانش‌آموزی را

1 - Teachers

2 - Education

تقویت کرد تا حس ارزشمندی در آن‌ها تقویت شود. ج، باید با برگزاری کلاس‌های توجیه، والدین را نسبت به آسیب‌های مواد مخدر و چگونگی پرهیز از استفاده از مواد را به آن‌ها یادآوری کرد. (علی محمدی، ۱۳۹۷: ۱۷-۹)

### ث.ب. آسیب انحرافات رفتاری

أصولاً یک سلسله هنجارهای رفتاری<sup>۱</sup> در جامعه وجود دارد که انتظار داریم افراد جامعه خود را با آن‌ها تطبیق دهند. در جامعه کوچک مدرسه<sup>۲</sup> نیز هنجارهایی از این قبیل وجود دارد. گاه دانش‌آموزی که در جامعه و در خانه، از هنجارها تبعیت کامل می‌کند، ممکن است در نهاد مدرسه رفتار انحرافی داشته باشد. به طوری که برخی از والدین با دریافت گزارش رفتار فرزندان خود در مدرسه کاملاً متحیر شوند. از طرف دیگر، دانش‌آموزی که در مدرسه خوش رفتار است، احتمال دارد از لحاظ برخی از جنبه‌های رفتاری در جامعه منحرف و یا بزهکار تلقی شود. از این رو مفهوم انحراف<sup>۳</sup>، مفهومی نسبی و تابع زمینه اجتماعی و مناسبات گروهی است. به همین دلیل دقیق‌تر آن است که به جای زدن داغ انحراف بر رفتار افراد و یا دانش‌آموزان، از رفتارهای انحرافی و ویژه‌ای سخن بگوییم. چون أصولاً این تمایل وجود دارد که اصطلاح مجرم<sup>۴</sup> را به بزرگسالان و اصطلاح بزهکار<sup>۵</sup> را به کودکان و نوجوانان و خاصه دانش‌آموزان نسبت دهند و بدین شکل دانش‌آموزان را محدود کنند. این واقعیت که کودکی و نوجوانی و بزهکاری در کنار هم به کار می‌رود اما بزرگسالی به ندرت با بزهکاری همراه است، بر این نکته تاکید دارد که نسبت به بزهکاری کودکان و نوجوانان و مجرمیت بزرگسالان رویه‌های نسبتاً متفاوت وجود دارد.

1-Behavioral norm

2-Small school community

3-The concept of deflection

4-The culprit

5-Delinquent

ریس<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان «بزهکاری یعنی شکست در کنترل شخصی و اجتماعی» بزهکاری را این گونه تعریف می‌کند: «رفتار منتج از شکست در کنترل شخصی و اجتماعی که به رفتار هماهنگ با هنجارهای نظام اجتماعی منتهی نمی‌شود و در نتیجه مستوجب تنبیه قانونی است». در واقع بزهکار فردی است که هنوز ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را به درستی درونی نکرده و بدین لحاظ خود را با شیوه‌های رفتاری و ضمانت‌های اجرایی کنترل اجتماعی در تضاد می‌بیند. به طور کلی رفتار انحرافی هر نوع رفتاری است که از ارزش‌ها و هنجارهای مقبول جامعه سرپیچی می‌کند و انحراف می‌ورزد. بنابراین رفتار انحرافی را نباید الزاماً جرم تلقی کرد. زیرا کاملاً مشخص نیست که این رفتار انحرافی که به مثابه رویگردانی از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است به رویگردانی از قانون و رفتارهای ضد جامعه هم ختم می‌شود یا نه؟ فلذا باید با احتیاط هر چه تمام‌تر با رفتار انحرافی برخورد کرد. بنابراین باید به تفاوت سه مفهوم رفتار انحرافی، بزهکاری و جرم توجه داشته باشیم. در واقع باید متوجه این نکته باشیم که هر رفتار انحرافی ممکن است به بزه و پسانگاه به جرم تبدیل نشود.

أصولاً رفتارهای انحرافی دانش‌آموزانی که به بزه تبدیل می‌شوند، این‌ها در طول سال تحصیلی دارای غیبت‌های فراوان و غیر موجه هستند، و یا این که چنین دانش‌آموزانی به خانواده‌های از هم پاشیده، بد سرپرست و بی سرپرست تعلق دارند. به هر حال آموزش و پرورش وظیفه دارد تا با فراهم کردن، فرصت برابری آموزشی از رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان جلوگیری کند. زیرا هر دانش‌آموزی دارای یکسری آرزوها و امیال است که بسیاری از آن‌ها آرزوها و امیال خود را در ادامه تحصیل جستجو می‌کنند.

---

<sup>1</sup> -A.J.Reiss

به قول دورکیم هر انسانی در زندگی‌اش به دنبال قدرت، ثروت و منزلت است. که آموزش و پرورش می‌تواند مسیر قدرت، ثروت و منزلت را مساعدتر و مناسب‌تر کند. اما این احتمال نیز وجود دارد چنان‌چه دانش‌آموزان گرفتار ناکامی، فشار روحی و روانی و ملال خاطر شوند، ممکن است به رفتارهای انحرافی و پس از آن رفتارهای بزهکارانه روی بیاورند. بر این اساس یکی از هدف‌های آموزش و پرورش جلوگیری از، بیگانگی دانش‌آموزان است. یعنی با برنامه و درس‌هایی که در مدرسه ارائه می‌شود، راه‌های ناکامی، فشارهای روحی روانی و افسردگی‌های ملال آور بسته می‌شود و در مقابل راه‌های انگیزه‌ای و انگیزشی مبنی بر تحصیل علم<sup>۱</sup>، ثروت<sup>۲</sup> و منزلت<sup>۳</sup> به آن‌ها آموخته می‌شود. نکته قابل ملاحظه این است که معلم در حالی که تدریس می‌کند، لازم است تا به آن‌چه شاگردان در اوقات فراغت انجام می‌دهند هم توجه داشته باشد. زیرا دانش‌آموزان باید به نحوی آموزش ببینند که فرهنگی واقعاً با ارزش خلق کنند. همچنین باید به آن‌ها کمک کرد تا به صورت خلاقانه و هوشیارانه خودسازی<sup>۴</sup> کنند. لازم است برنامه‌های خلاقانه که روح و روان آن‌ها را درگیر می‌کند، برای تکلیف برای آن‌ها در نظر بگیریم. زیرا به نظر می‌رسد که قسمت اعظم رفتارهای انحرافی و بزهکارانه از ناتوانی افراد در پُر کردن اوقات فراغت<sup>۵</sup> خود به صورت خلاقانه ناشی می‌شود و هر گاه افراد از لحاظ ابعاد خلاقانه خود ناکام شوند، پیوسته به رفتارهای انحرافی، بزهکارانه و خرابکارانه روی می‌آورند. بنابراین هر مدرسه و معلمی که بتواند، علاوه بر حضور دانش‌آموز در مدرسه، فکری برای اوقات فراغت آن‌ها هم داشته باشد، می‌توان گفت که راه رفتارهای انحرافی و بزهکارانه دانش‌آموزان را بسته است. (موریش، ۱۳۸۷: ۲۹۹-)

1 - Science

2 - Richees

3 - Dignity

4 - Self-improvement

5 - Free time

۲۸۷) در واقع یکی از بزرگ‌تری نقایص آموزش و پرورش در جامعه ما همین است که بعد از تعطیلی مدرسه، دیگر کاری با دانش آموز ندارند. در صورتی که به گفته بسیاری از صاحب نظران، دانش آموز در همه شرایط باید دارای برنامه باشد تا راه‌های انحرافی برای او بسته بمانند. (نگارنده)

### ث.ج. آسیب فرسودگی تحصیلی

بی‌گمان مرحله دانش‌آموزی و خاصه مرحله متوسطگی و به عبارتی دوران نوجوانی، دوره بحران است، که در آن افراد فرصت هویت‌یابی به عنوان فردی شایسته از نظر تحصیلی، جامعه‌پذیری و متعهد به یادگیری را پیدا می‌کنند. در عین حال دانش‌آموزان بسیار تحت تأثیر محیط اطراف خود قرار می‌گیرند و با خطراتی روبه‌رو می‌شوند. نمونه‌ای از این خطرات، بزهکاری است. بزهکاری در معنای لفظی عبارت است از ترک انجام وظیفه قانونی و یا ارتکاب عملی خطا که الزاماً عنوان جرم ندارد و به ویژه در ارتباط با جرائم ارتكابی از سوی کودکان و نوجوانان به کار می‌رود.

در واقع اهمیت مساله در این جاست که نوجوان به خاطر گرایش به تأیید شدن، احتمال خطر برای او افزایش می‌یابد. هر چند با گذشت زمان و با بهتر شدن رشد استدلال اخلاقی، میزان نفوذ همسالان و رفتارهای بزهکارانه کاهش پیدا می‌کند و نوجوان در موقعیت‌های اجتماعی همچون ازدواج و کار وارد می‌شود که قانون شکنی کمتری به همراه دارد. به هر روی، یکی از مولفه‌های مرتبط با نگرش به بزهکاری، فرسودگی تحصیلی است. فرسودگی تحصیلی با استرس‌های شدید، ساعات طولانی تحصیل توأم با کار کردن، نگرانی در رابطه با نمرات درسی، نامطمئن بودن در مورد آینده، میزان پایین حمایت از سوی دوستان و همسالان و نرخ رضایت پایین به خاطر عدم تعادل بین زندگی شخصی و حرفه‌ای مرتبط است.

در واقع فرسودگی تحصیلی یکی از مسائل مهم آموزشی است که نه تنها مانع پیشرفت تحصیلی فراگیران می‌شود، بلکه عملکرد دانش‌آموزان در مدرسه، و محیط یادگیری را نیز مختل می‌کند. رابطه فرسودگی تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، نرخ مشارکت و اشتیاق آنان برای ادامه تحصیل و تعهد دانش‌آموزان برای تکالیف اهمیت بررسی فرسودگی تحصیلی را دو چندان کرده است.

به نظر می‌رسد که حس بدبینانه و بی‌علاقگی نسبت به تکالیف و مطالب درسی و نیز احساس پیشرفت شخصی ضعیف در این‌آموز، منجر به ایجاد نوعی حس سرخوردگی و ناکامی در دانش‌آموز می‌شود. این احساس می‌تواند فشاری در جهت انطباق‌های ابداع‌گونه یا انزوگونه باشد. فلذا در حالت انطباق انزوگونه، رفتارهای مشکل‌آفرینی همچون اعتیاد، راهی برای گریختن از تنش‌ها و فراموش کردن شرایط موجود را ایفا می‌کنند. مشارکت در مدرسه، مکانیسمی حیاتی است که از آن طریق فرآیندهای انگیزشی به سمت موفقیت‌های تحصیلی سوق داده می‌شود. مشارکت در مدرسه تجربه همه‌روزه دانش‌آموز در مدرسه، اعم از تحصیل و اجتماعی را شکل می‌دهد. طبق مدل سیستم خود<sup>1</sup>، میزان مشارکت هیجانی، رفتاری و شناختی نوجوان با مدرسه، محتوای انگیزشی برایشان فراهم می‌کند که توانایی آنان در کنار آمدن با مشکلات و موانع در مدرسه و فائق شدن بر پسروی‌ها و شکست‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت کمک می‌کند که دانش‌آموزان به طور سازنده‌ای با چالش‌های مرتبط با تکالیف درسی رودررو شوند.

زمانی که دانش‌آموزان توانایی کنار آمدن مؤثر با چالش‌ها و موانع را داشته باشد، بیشتر بر روش‌های مساله‌محور و خود ارتقاء بخشی تحصیلی متمرکز می‌شوند. در نتیجه نرخ عدم مشارکت در مدرسه و سوق یافتن دانش‌آموزان به سمت سوء مصرف مواد و سایر مشکلات رفتاری و انحرافی کاهش پیدا خواهد کرد. از آن

<sup>1</sup> -Self-system model

جایی که در برخی خانواده‌ها رابطه والدین با فرزندان بیشتر مبتنی بر پیشرفت تحصیلی است. هر چه دانش آموز بیشتر تلاش می‌کند و موفقیت‌های بیشتری را کسب می‌کند، میزان توقع والدین نیز افزایش می‌یابد و با سخت‌تر شدن دروس کودکان و خاصه نوجوانان، از پیشرفت باز می‌مانند. در چنین حالتی در جازدن، میزان اعتماد به نفس و عزت نفس کاهش پیدا می‌کند و دانش‌آموز جهت مخفی نگه داشتن دلیل اصلی ناکامی خودش، به مصرف مواد یا رفتارهای انحرافی و حتی بزهکارانه روی می‌آورد. به هر حال عوامل فشارزای آموزشی و وظایف سنگین تحصیلی می‌تواند زمینه‌ای برای فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان باشد.

طبق مدل الزامات منابع<sup>۱</sup>، در صورتی که تعداد الزامات و عوامل فشارزا زیاد باشد و منابع و امکانات کافی برای حل کردن این الزامات در دسترس نباشد، فرد با استرس‌های مستمر و فزاینده‌ای رو در رو خواهد شد. از سوی دیگر، افسردگی و اضطراب در فرد می‌تواند به کاهش نرخ عزت نفس بیانجامد. این امر با نازنده سازی شخصی، ایجاد نگرش‌های مخرب و آسیب‌پذیری‌های روانی، می‌تواند به رفتارهای پُرخطر و مشکلات اجتماعی از جمله رفتارهای بزهکارانه بیانجامد. همچنین هوش هیجانی پایین و استفاده از سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار به جای مساله‌مدار منجر به کاهش مقاوت دانش‌آموزان در برابر رفتارهای انحرافی و بزهکارانه می‌شود. در واقع عدم تاب‌آوری نیز به دلیل منعطف نبودن در برابر مشکلات و ناتوانی در مواجهه با مسائل به عنوان عاملی تأثیرگذار در گرایش به اعتیاد مطرح است. (فرج پور نیری، ۱۳۹۸: ۴۴-۳۹)

### ج. نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

به نظر می‌رسد در نظام آموزشی، پیشگیری بهترین راه مقابله با آسیب‌های اجتماعی است. آموزش و پرورش بی‌شک می‌تواند بستری مناسب جهت جلوگیری از

<sup>1</sup> -Resource requirements model



آسیب‌های اجتماعی به شمار آید. به همین سبب نقش محیط آموزشی، بی‌بدیل است. بر اساس یک رویکرد، اقدامات پیشگیرانه به عنوان مهم‌ترین راهکار برای مبارزه با آسیب‌های اجتماعی، در نظام آموزشی شامل دو بخش است.

الف. تمرکز بر اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی دانش‌آموزان: بر اساس این رویکرد، قبل از این که فرد یا افرادی در دام آسیب‌های اجتماعی قرار بگیرند باید از طریق نهادهای مختلف به خصوص نهادهای آموزش‌محور، مانند آموزش و پرورش و غیره آگاه‌سازی صورت بگیرد.

ب. تقویت مهارت‌های زندگی: بر اساس این رویکرد زندگی گامی است که افراد را از آسیب‌های اجتماعی دور می‌سازد و اجازه نمی‌دهد زمان بی‌مصرف برای کارهای مضر فراهم شود.

ف. لذا بر اساس رویکرد دوم که نسبت به رویکرد اول جامع‌تر است، می‌توان برنامه‌ها و اقداماتی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در آموزش و پرورش ارائه داد. بنابراین این برنامه‌ها و اقدامات را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی نمود.

الف. برنامه‌های آموزش پیشگیری، ب. برنامه‌های ترویجی و فرهنگ‌سازی، ج. برنامه‌های مراقبتی. که در ادامه به تشریح آن‌ها می‌پردازیم.

**الف. برنامه‌های آموزش پیشگیری:** این برنامه‌ها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول: برنامه‌های پیشگیری با رویکرد رشد-مداری است. بر اساس این برنامه‌ها مهارت‌های خود-مراقبتی به تناسب دوره‌های رشد، به دانش‌آموزان در هر دوره تحصیلی آموزش داده می‌شود. در واقع تلاش می‌شود تا در قالب کتاب درسی آگاهی‌های لازم، متناسب با سطوح رشد به دانش‌آموزان داده شود. دسته دوم: برنامه‌های آموزش و توانمندسازی والدین و کارکنان است. بر اساس این برنامه، مهارت‌های فرزندپروری، شناخت رفتارهای انحرافی و پرخطر و ارتباط مؤثر

با دانش‌آموزان به والدین ارائه می‌شود، تا والدین با این شناخت‌ها به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بپردازند.

**ب. برنامه‌های ترویجی و فرهنگ‌سازی:** بر اساس این برنامه‌ها: برنامه‌هایی همانند برگزاری نمایشگاه‌های سیار پیشگیری، برنامه برگزاری جشنواره کودک و نوجوان سالم، برای دانش‌آموزان برگزار می‌شود. همچنین انتشار مجلات پیشگیری برای سه گروه مخاطب، والدین، معلمان و دانش‌آموزان منتشر می‌شود. لذا می‌توان از طریق برگزاری جلسات و گردهمایی‌ها، آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی نمود تا از وقوع آسیب‌های اجتماعی پیشگیری نمود.

**ج. برنامه‌های مراقبتی:** این برنامه‌ها شامل: برنامه‌های حمایت آموزشی، درمانی، روانی و اجتماعی برای دانش‌آموزان در معرض خطر آسیب، اجرا نمود، تا دانش‌آموزان در معرض آسیب از آسیب با خبر شده و خود مراقبتی را لحاظ کنند. (فراهانی، ۱۳۹۸: ۷۵) اما علاوه بر موارد فوق آموزش و پرورش می‌تواند برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی که متوجه دانش‌آموزان است، از روش‌های ذیل هم استفاده کند.

### **ج. الف. جامعه‌پذیری دانش‌آموزان**

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن<sup>۱</sup> از نظر لغوی به معنای انطباق و آشناسازی با جامعه است. در جامعه‌شناسی، این مفهوم به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن، افراد ویژگی‌هایی کسب می‌کنند که شایسته عضویت آن‌ها در جامعه است. (قربانی، ۱۳۹۷: ۱۱۴) به عبارتی جامعه‌پذیری فرآیندی است که از طریق آن فرد ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری خود را که در فرهنگ خود مناسب محسوب می‌شود، یاد می‌گیرد و می‌پذیرد. (درسلر، ۱۳۸۸: ۱۴۹) به هر روی، اگر فرآیند اجتماعی شدن

<sup>1</sup> -Socialization

ناموفق باشد و هنجارهای جامعه را ملکه ذهن افراد نکند، افرادی در جامعه پرورش می‌یابند که به علت درونی نشدن هنجارها، از تخلف و قانون شکنی احساس پشیمانی و شرمساری نمی‌کنند و تنها نیروی درونی بازدارنده آنها از انحرافات اجتماعی از بین می‌رود. (قربانی، ۱۳۷۹: ۱۱۶). اما مدارس به عنوان یکی از عوامل جامعه پذیری، نقش خودش را چگونه در جامعه پذیری ایفاء می‌کند؟

بی‌گمان مدرسه نقش مهمی در زمینه آموزش و انتقال ارزش‌ها و هنجارها به دانش آموزان دارد. در واقع مدرسه نه تنها از طریق دوره‌های آموزشی رسمی، بلکه از طریق برنامه‌های درسی پنهان، مبادرت به جامعه‌پذیری دانش آموزان می‌کند. بنابراین دانش و مهارت‌های خاصی که در مدرسه آموخته می‌شود، تأثیر ژرفی بر خودپنداره دانش آموزان، باورها و ارزش‌های آنان دارد. زیرا در مدرسه دانش آموزان به طور مرتب به وسیله معلم ارزیابی می‌شوند و با دیگران مقایسه می‌گردند. هر یک از آنان دارای پرونده‌ای هستند که فعالیت‌های رفتاری و علمی در آن ثبت و ضبط می‌گردد و از این طریق بر اعمال آنان نظارت می‌شود.

طبق نظر ساموئل بولز<sup>۱</sup> و هربرت گینتس<sup>۲</sup> جامعه‌شناسان آمریکایی آنچه که در جریان آموزش در مدرسه روی می‌دهد، برنامه آموزشی پنهان است که به دانش آموزان یاد می‌دهد که پاکیزه باشند، نظم را مراعات کنند، آرام باشند، نوبت را مراعات نمایند و در کارهایشان دقیق باشند. واکنش‌های معلمان نیز بر انتظاراتی تأثیر می‌گذارند که کودکان از خودشان دارند و به نوبه خود با تجربه شغلی آنها زمانی پیوند می‌خورد که مدرسه را ترک می‌کنند. (ستوده، ۱۳۸۳: ۱۳۸-۱۳۷) بنابراین مهم‌ترین کارکرد آموزش و پرورش در رابطه با پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، اجتماعی کردن دانش آموزان است. اجتماعی کردن هم عبارت است از انتقال

---

1 -Samull Bowles

2 -Herbert Gintis

ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به فرد و درونی کردن آن‌ها، به گونه‌ای که تخطی از آن‌ها عملاً دشوار و در مواردی غیر ممکن است. (احمدی، ۱۳۶۹: ۶۵)

### ج.ب. هویت سازی

هویت<sup>۱</sup> عبارت است از شناختن و شناساندن است. این تعریف از هویت، از دو وجه تشکیل شده است یعنی شناختن و شناساندن. به عبارتی منظور از شناختن، یعنی شناخت خود در ارتباط با چیزی و منظور از شناساندن، یعنی شناساندن خود بر اساس آن چیز به دیگری. هویت به سه قسم، قابل انقسام است: یکی هویت فردی<sup>۲</sup>، دیگری هویت اجتماعی<sup>۳</sup>، و دیگری هویت ملی<sup>۴</sup>،

منظور از هویت فردی، اصولاً معرفی انسان بر اساس یکسری ویژگی‌های شخصی است. مثلاً وقتی از ما پرسیده می‌شود که شما کیستید؟ پاسخی که ما می‌دهیم، هویت ما را تشکیل می‌دهد.

هویت اجتماعی، یعنی معرفی انسان بر اساس مولفه‌هایی همانند، خانواده، نژاد، شغل، مذهب و قبیله است. هویت ملی، علاوه بر مولفه‌های هویت فردی و اجتماعی، مولفه‌های دیگری هم همانند سرزمین و دولت را شامل می‌شود. (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱۶۷-۱۶۶) به نظر می‌رسد که آموزش و پرورش در تکوین و بسط هر سه نوع هویت نقش داشته باشد. یعنی هم از طریق پرورش ویژگی‌های شخصی نقش دارد و هم از طریق پرورش ویژگی‌های اجتماعی نقش دارد و هم از طریق پرورش ویژگی‌های ملی نقش دارد.

1 -Identity

2 -Personal identity

3 -Social identity

4 -National identity

به نظر گی روشه<sup>۱</sup>، هر شخص به وسیله و از طریق محیط‌های مختلفی که بدان تعلق دارد یا بدان رجوع می‌نماید، هویت خود را توسعه می‌بخشد: یعنی، می‌تواند تعریفی از آن چه به مثابه شخص-فردی یا اجتماعی- مطرح است برای خود و دیگران ارائه نماید، زیرا آن چه شخصیت اجتماعی نامیده می‌شود، در واقع همین هویت است که برای شخص جایی در جامعه تعیین می‌کند و نوعی وحدت و انسجام به هستی و عمل او می‌بخشد. جوانا واین<sup>۲</sup> و راب وایت<sup>۳</sup>، معتقدند که هویت اجتماعی در مرحله اول، در متن تجربیات مربوط به زندگی ساخته می‌شود و در مرحله دوم، در نهادهای اجتماعی به مثابه مدرسه، محیط کار، فعالیت‌های تفریحی و اوقات فراغت ساخته می‌شود.

به نظر می‌رسد که دانش آموزان به لحاظ موقعیت سنی و روانی‌شان، دارای ویژگی‌ها و نیازهایی هستند. یکی از این نیازها کسب احساس هویت اجتماعی است. بنابراین این احساس هویت در صورتی کسب می‌شود که نظام اجتماعی بتواند از طریق نهادهای واسطی همانند خانواده، مدرسه، رسانه‌های گروهی، و دولت به آن پاسخ بدهد. در این صورت دانش آموزان نسبت به نظام اجتماعی خودشان احساس رضایت خواهند کرد، و نسبت به آن راغب خواهند شد. (اشرفی، ۱۳۷۹: ۴۵-۳۵)

در واقع اگر آموزش و پرورش با محتوای کتب درسی نیز بتواند به هویت اجتماعی دانش آموزان پاسخ دهد، آن وقت است که شاهد احساس رضایت دانش آموزان نسبت به آموزش و پرورش خواهیم بود. یعنی در واقع آموزش و پرورش می‌تواند از طریق محتوای درسی آشکار و همچنین محتوای درسی پنهان به این نیاز دانش آموزان پاسخ دهد، تا دانش آموزان با رضایت خاطر بیشتر به وظیفه خودشان عمل کنند. (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۳۹۰) به هر حال با توجه به رویکرد اسناد بالادستی از

<sup>1</sup> -Guy Rocher

<sup>2</sup> -Johnna wan

<sup>3</sup> -Rob white

جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی مبنی بر رساندن افراد به حیات طیبه و تلقی از نقش مدرسه به عنوان جایگاه تربیت اجتماعی و آماده سازی افراد برای زندگی اجتماعی لازم است تا یک عزم جدی برای یک نهضت فرهنگی و تغییر در نگرش و عملکرد مسئولین ایجاد شود. (فلاحیان، ۱۳۹۵: ۵۸) زیرا چطور ممکن است، آموزش و پرورش که برای تلاش معلمانش ارزش قائل نیست. یعنی معلمانی که ادامه تحصیل داده‌اند با معلمانی که ادامه تحصیل نداده‌اند، را یکسان تلقی می‌کند و یک حقوق و مزایا در نظر می‌گیرد، انتظار بهبود و پیشرفت دارد. قطعاً معلمانی که یک تایم معلمی کرده‌اند و یک تایم دیگر به بنگاه داری، مغازه داری و رانندگی پرداخته‌اند، نمی‌توانند زمینه توسعه آموزش و پرورش را فراهم بیاورند. (تحلیل نگارنده)

### ج.پ. نشاط اجتماعی

انسان‌ها بنا بر سرشت و ماهیت وجودی خویش، همواره از افسرده بودن گریزان‌اند و دوست دارند به سوی شاد بودن و شاد زندگی کردن در حرکت باشند. احساس نشاط<sup>۱</sup> یا بهزیستی<sup>۲</sup> از آغاز تمدن انسانی یکی از نیازهای اساسی نوع بشر در تمامی فرهنگ‌ها به شمار رفته است و استنباط بشر نیز از غایت زندگی، رسیدن به شادمانی بوده است. با وجود این در طول تاریخ درک بشر از نشاط متفاوت بوده است و تلاش‌های بسیاری برای فهم و تعریف نشاط انجام گرفته که این مفهوم را در ظرف زمان و مکان دگرگون کرده است. (نبوی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲) فلذا از آنجایی که انسان موجودی هدفمند است، همواره جویای نشاط-شادکامی<sup>۳</sup> - خوشبختی و سعادت می‌باشد و تا زمانی که به آن چه می‌خواهد، دست نیابد، احساس نشاط، خوشبختی و سعادت نمی‌کند. شاید به جرأت بتوان گفت که همه تلاش‌های انسان

1 -Happiness

2 -Well-being

3 -Welfare

در جهت یافتن نشاط و خوشبختی در آینده است. در واقع می‌توان گفت احساس نشاط یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های انسان برای مقابله با مشکلات است. فلذا نشاط یا شادکامی یکی از خلقیات اساسی در زندگی انسان است و نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و اجتماعی او بازی می‌کند. نشاط عبارت از چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی است. این نوع داوری متأثر از ادراکات شخصی فرد و تجربه احساسات و عواطف مثبت است که بر سبک تبیین، قضاوت و تصمیم‌گیری او اثر می‌گذارد. عواملی که نشاط را به وجود می‌آورند شامل احساس رضایتمندی از زندگی و فقدان عواطف منفی همچون افسردگی و لذت بردن از وقایع می‌باشد و یکی از علل تأثیرگذار در برقراری اصول بهداشت روانی و خوشبختی است و بر فضای شناختی و رشد آن اثر می‌گذارد. نشاط یکی از ابعاد اصلی تجربه بوده و معمولاً در پی ایجاد پاسخ‌های مطلوب است که کارکرد مناسب به جای می‌گذارند. بدین سان در بررسی تمایلات اجتماعی مردم مشخص شده است که ثروت و پول می‌تواند مشکلات مردم را حل کند و تولید نشاط نماید، اما یافته‌های دیگر هم نشان می‌دهند که افرادی که تصور می‌کنند ثروت مهم است و موفقیتشان را با آن ارزیابی می‌کنند، کمتر شاد هستند و حتی با داشتن ثروت مایوس می‌باشند. همچنین در یافته‌های دیگر مشخص شده است که نواهای لذت بخش و رویدادهای هیجان آور اجتماعی هم قادرند، ایجاد خوشحالی کنند. بر اساس نظریه نشاط و خوشبختی واقعی<sup>۱</sup>، سه نوع منبع نشاط و خوشبختی در جامعه وجود دارد، که عبارتند از: الف. لذت‌زدایی، ب. دلبستگی‌های زندگی ج. کارهای مفید هدفمند.

به نظر می‌رسد که دو مورد اول سلیقه‌ای هستند و به برداشت شخصی فرد از وقایع و رویدادهای زندگی بستگی دارند، اما مورد سوم به نظر سلینگمن<sup>۲</sup> به معنای انجام

1 - The theory of real vitality and happiness

2 - Seligman

کارهایی است که به منظور دستیابی به ارزش‌ها صورت می‌گیرند و هدفی فراتر از ارضای تمایلات فردی را دنبال می‌کنند.

به نظر سلیگمن خوشبختی تلفیقی از سه مورد فوق به شمار می‌رود و خوشبختی واقعی زمانی حاصل می‌شود که فرد به این سه منبع خوشبختی دست یافته باشد. (هزارگریبی، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۰) بنابراین نشاط اجتماعی سرآغاز توسعه هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و بی‌توجهی به این موضوع زمینه تخریب جامعه را فراهم می‌آورد. اگر شادکامی اجتماعی را حاصل شادی‌های افراد جامعه فرض کنیم، می‌توان به این باور رسید که افسردگی‌های افراد در افسردگی‌های جامعه، مؤثر است. پس باید عوامل تأثیر گذار در ارتقای شادی‌های افراد کشف و برای گسترش این عامل‌ها در جامعه تلاش کرد. (سمعی اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸۸) به هر حال تحقیقات بسیاری که توسط دانشمندان علوم اجتماعی انجام گرفته، نشان می‌دهد حالت‌های عاطفی مثبت-از جمله احساس نشاط- بر سلامت افراد تأثیر به سزایی دارد. در تحقیقات مشخص شده است که احساسات مثبت موجب افزایش انعطاف‌پذیری جسمی و روانی و تفکر خلاقانه‌تر می‌شود. احساس نشاط موجب ایجاد انرژی، شور، حرکت و پویایی در جامعه می‌شود.

در واقع احساس نشاط و شادمانی افراد را برای زندگی بهتر آماده می‌کند و به دلیل ویژگی مسری بودن آن، وابستگی‌های فرد را به محیط افزایش می‌دهد. لذا احساس شادکامی همچون سپری می‌تواند آدمی را در برابر مشکلات محافظت نموده، سلامت او را تضمین کند. همچنین افراد شاد تمایل بیشتری به رفتار سالم دارند و احتمال زیاد می‌رود که از رفتارهای ناسالم دوری کنند. اما امروزه با وجود ماشینی شدن زندگی و پیشرفت در زمینه فناوری و تأمین آسایش، نه تنها احساس شادکامی و نشاط افزایش نیافته، بلکه تنش‌های فکری و شرایط محیطی به کاهش احساس نشاط منجر شده است. که این امر سلامت گروه‌های مختلف جامعه از جمله دانش



آموزان را با خطر و آسیب مواجه کرده است. (نبوی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲) به هر حال مدارس می‌توانند از طریق درس‌های مختلف مثل موسیقی و یا کلاس‌های باز که دانش‌آموزان مختار باشند راجع به هر موضوعی بحث و مباحثه کنند تا در ایجاد نشاط جامعوی و شادکامی اجتماعی نقش داشته باشند. (تحلیل نگارنده)

## نتیجه گیری

در این پژوهش کیفی با روش توصیفی می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که، آموزش و پرورش چه نقشی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان در ایران دارد؟ که برآیند آن بدین قرار شد: نظریه‌های جامعه‌شناسی به مثابه کارکردگرایی، ساختارگرایی، انتقادگرایی و تفسیرگرایی هر کدام از منظر دید خود به آموزش و پرورش نگریسته‌اند. در مجموع، می‌توان گفت که آموزش و پرورش دارای ساختار، کارکرد و تفسیر است که انتقادهایی هم به آن وارد است. از منظر دورکیم، واقعیت‌های اجتماعی هم می‌توانند عادی باشند و هم می‌توانند آسیب‌زا تلقی شوند. فلذا آموزش و پرورش به مثابه یک پدیده و یا واقعیت اجتماعی می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به منزله آسیب‌مواد مخدر، آسیب رفتار انحرافی و آسیب فرسودگی تحصیلی، که دانش‌آموزان با آن‌ها مواجه می‌شوند، نقش اساسی ایفاء کند: زیرا الف. آموزش و پرورش می‌تواند با ارائه اطلاعات صحیح در مورد مواد مخدر به دانش‌آموزان در پیشگیری از اعتیاد آن‌ها نقش داشته باشد. چون همان طوری که مشخص است دانش‌آموزان وقت زیادی از خود را در مدرسه می‌گذرانند که این فرصت خوبی است تا با ارائه اطلاعات لازمه، و تقویت رفتار آن‌ها، پیشگیری لازم را به عمل بیاورند.

ب. آموزش و پرورش وظیفه دارد تا با فراهم کردن، فرصت برابری آموزشی از رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان، که ناشی از ناکامی، فشار روحی و روانی و ملال خاطر است، جلوگیری کند. چرا که هر دانش‌آموزی دارای یکسری آرزوها و امیال است که بسیاری از آن‌ها، آرزوها و امیال خود را در ادامه تحصیل جستجو می‌کنند. بر این اساس یکی از هدف‌های آموزش و پرورش جلوگیری از، بیگانگی دانش‌آموزان است. یعنی با برنامه و درس‌هایی که در مدرسه ارائه می‌شود، راه‌های ناکامی، فشارهای روحی-روانی و افسردگی‌های ملال‌آور بسته می‌شود و در مقابل

راه‌های انگیزه‌ای و انگیزشی مبنی بر تحصیل علم، ثروت و منزلت، به آن‌ها آموخته می‌شود: تا دانش آموزانی که گرفتار فرسودگی تحصیلی می‌شوند: یعنی با استرس‌های شدید، ساعات طولانی تحصیل توأم با کار کردن، نگرانی در رابطه با نمرات درسی، نامطمئن بودن در مورد آینده، میزان پایین حمایت از سوی دوستان و همسالان و نرخ رضایت پایین به خاطر عدم تعادل بین زندگی شخصی و حرفه‌ای مرتبط است. در واقع، فرسودگی تحصیلی یکی از مسائل مهم آموزشی است که نه تنها مانع پیشرفت تحصیلی فراگیران می‌شود، بلکه عملکرد دانش آموزان در مدرسه، و محیط یادگیری را نیز مختل می‌کند. بنابراین مدارس و در رأس آن معلمان باید با کمک والدین، با روحیه دادن و تشویق و تدوین برنامه‌های مناسب این مساله را حل کنند. در واقع، این سه مساله اساسی یعنی، آسیب مواد مخدر، آسیب رفتار انحرافی و آسیب فرسودگی تحصیلی ما را به سمت سه راهکار جامعه پذیری مجدد، هویت سازی اجتماعی و نشاط اجتماعی سوق داد.

فلذا به نظر می‌رسد که دانش آموزانی که در معرض مواد مخدر قرار می‌گیرند را با جامعه پذیری مجدد، دانش آموزانی که در معرض رفتارهای انحرافی قرار می‌گیرند را با هویت‌سازی اجتماعی، و همچنین دانش آموزانی که در معرض فرسودگی تحصیلی قرار می‌گیرند را با نشاط اجتماعی مورد بازسازی اجتماعی قرار دهد. به هر حال تحقیقات نشان می‌دهد احساس نشاط بر سلامت افراد تأثیر به‌سزایی دارد.

در واقع، آموزش و پرورش، وسیله سازماندهی خود فردی و خود اجتماعی به صورت یک موجود با انضباط است که می‌توان آن را به تشکیل شخصیت و تولد اجتماعی شخص تعبیر کرد: چون، کلاس درس بر حسب کارکرد آن برای مدرسه، و مدرسه بر حسب کارکردش برای نظام آموزشی و نظام آموزشی بر حسب کارکردش برای جامعه تبیین می‌شود. بنابراین، آموزش و پرورش، فعالیت واحدی را شامل می‌شود که هدف آن ایجاد تغییرات مناسب و مطلوب در ابعاد شناختی،

عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان است، لکن ایجاد نگرش‌ها و رفتارهای درونی شده و نهادی به نحو چشمگیری از انتقال صرف و نظری مجموعه‌ای از دانسته‌های قابل تفکیک و تشخیص است. به طوری که، مدرسه به مثابه یک نهاد اجتماعی ممکن است که گرفتار بیماری شود و عضوی و یا اعضای آن گرفتار بیماری شوند. البته گاهی اوقات هم وقتی اکثر نهادها در جامعه که به مثابه کل جامعه محسوب می‌شوند، بیمار می‌گردند، این به منزله بیماری کل جامعه و یا فروپاشی آن است. بنابراین مهم‌ترین کارکرد آموزش و پرورش در رابطه با پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، اجتماعی کردن دانش‌آموزان است. اجتماعی کردن هم عبارت است از انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به فرد و درونی کردن آن‌ها، به گونه‌ای که تخطی از آن‌ها عملاً دشوار و در مواردی غیر ممکن است.

## منابع

- احمدی، علی اصغر، (۱۳۶۹)، نقش نظام آموزشی کشور در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۳.
- اشرفی، ابوالفضل، (۱۳۷۹)، هویت اجتماعی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه، شماره ۱۱ و ۱۲.
- درس‌ر، دیوید، و دیگران، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی: بررسی تعامل انسان‌ها، ترجمه مهرداد هوشمند و دیگران، تهران، نشر اطلاعات.
- دورکیم، داوید امیل، (۱۳۹۱)، تربیت و جامعه‌شناسی، ترجمه فریدون سرمد، تهران، انتشارات کندوکاو.
- راش، مایکل، (۱۳۸۹)، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت.
- ستوده، هدایت‌اله، (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی: با تاکید بر دیدگاه‌های کارکردگرایی، تضاد و کنش متقابل اجتماعی، تهران، انتشارات ندای آریانا.
- سمعی اصفهانی، و دیگران، (۱۳۹۷)، عوامل اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان (مطالعه موردی) فصلنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۶.
- سیف‌اللهی، سیف‌اله، (۱۳۸۸)، مبانی جامعه‌شناسی: اصول، مبانی و مسائل اجتماعی، تهران، انتشارات جامعه پژوهان سینا.
- شارع پور، محمود، (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات سمت.
- شیخاوندی، داور، (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی انحرافات: مسائل جمعی، مشهد، نشر مرن‌دیز.
- علاقه‌بند، علی، (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، نشر روان.

علی محمدی، مروارید، و دیگران، (۱۳۹۷)، نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، دانشگاه تهران.

علیخانی، علی اکبر، (۱۳۸۶)، هویت در ایران: رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی به هویت و بحران هویت در ایران، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

فرج پور نیری، سپیده، (۱۳۹۸)، پیش بینی نگرش به رفتار بزهکارانه بر اساس فرسودگی تحصیلی، اضطراب، استرس، و افسردگی در دانش آموزان پسر دبیرستانی، فصلنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۱۲.

فرمی‌هنی فراهانی، محسن، (۱۳۹۸)، فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دانشگاه شاهد، دوره ۲، شماره ۱.

فلاحیان، ناهید، (۱۳۹۵)، نقش آموزش مدرسه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی شهری، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال چهارم، شماره ۱۳.

قربانی، علیرضا و دیگران، (۱۳۹۷)، نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش آموزان استان گلستان، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و نهم، شماره ۲.

کاف، ای، اسی، و دیگران، (۱۳۸۸)، چشم اندازهایی در جامعه‌شناسی، ترجمه بهزاد احمدی و دیگران، تهران، انتشارات کویر.

موریش، ایور، (۱۳۸۷)، درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

نبوی، عبدالحسین، و دیگران، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و روانی بر احساس نشاط (مورد مطالعه: دانش آموزان ۱۸-۱۶ ساله شهر اهواز) فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، سال بیست و ششم، شماره پیاپی (۵۹)، شماره ۳.

هزارجریبی، جعفر و دیگران، (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تاکید بر استان تهران)، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، دانشگاه اصفهان، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۳) - شماره ۱.